روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۵۵ ■ سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۹ مه ۲۰۰۶

آبادان	+۲۹+۴۰	بیرجند	+۱۸+۳۰	سنندج	+۱۲+۲۵	همدان	+۱۲+۲۶
اراک	+۱۴+۲۶	تهران	+۱۹+۳۰	شهرکرد	+۱۲+۲۵	یاسوج	+۱۸+۳۱
اردبیل	+۱۳+۱۸	تبریز	+۱۲+۲۴	شیراز	+۱۹+۳۲	یزد	+۲۰+۳۰
ارومیه	+۱۱+۲۴	خرم‌آباد	+۱۴+۲۸	قزوین	+۱۳+۱۷	دبی	+۲۶+۳۶
اصفهان	+۱۳+۳۰	رشت	+۱۵+۲۰	کرمان	+۱۹+۳۰	نجف	+۲۵+۴۰
اهواز	+۲۷+۴۳	زاهدان	+۲۲+۳۱	کرمانشاه	+۱۲+۲۴	مکه	+۲۷+۴۱
ایلام	+۲۰+۳۳	زنجان	+۱۲+۲۶	کاشان	+۱۵+۲۸	مدینه	+۲۶+۴۱
بجنورد	+۱۷+۲۸	زابل	+۲۶+۳۷	کیش	+۲۷+۳۲	لندن	+۵+۱۳
بندرعباس	+۲۴+۳۷	ساری	+۱۵+۲۴	گرگان	+۱۷+۳۰	پاریس	+۶+۱۷
بوشهر	+۲۷+۳۰	سمنان	+۱۹+۳۰	مشهد	+۱۵+۲۷	استانبول	+۱۰+۱۸

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۱ اذان مغرب ۱۹:۱۶ اذان صبح فردا ۳:۳۰

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سینمای دیگر (تکرار)	دو	۱۳/۰۰
سریال کاپیتان	سه	۱۳/۴۰
روزهای به یادماندنی (تکرار)	یک	۱۵/۱۵
سریال هشدار برای کبری ۱۱	پنج	۱۹/۰۰
سریال عامل ناشناخته	سه	۲۰/۱۵
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱/۰۰
سینما پشت پرده	سه	۲۱/۱۵
مجله تئاتر	چهار	۲۱/۴۵
سریال پرستاران	سه	۲۲/۰۰
سریال پای پیاده (تکرار)	پنج	۲۳/۰۰
سینمای حرفه‌ای	دو	۲۳/۴۵

سینمای امروز

آتش بس (تهمینه میلانی)

آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس ۱- آسیا
گلریز۱- بهمن۲- قیام- جوان۲- پیروزی
المپیا- تهران۱

هوو (علیرضا داوودنژاد)

عصرجدید۱- تهران۲- جوان۱- فردوسی- سروش-
جی۳- سعدی- ملت- مرکزی۳- دهکده- شیدا-
ماندانا- موزه سینما- پارس ۲- جمهوری

زیر درخت هلو (ایرج طهماسب)

استقلال- عصرجدید۳- مرکزی۱
بهمن۱- آستارا- پیوند- ایران۲
جی۲- بلوار- شقایق

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)

قدس- ایران۳- صحرا- شهرقشنگ- فلسطین۱-
مرکزی۲- جی۱- فرهنگ۱- کارون- گلریز۲-
حافظ- پایتخت- میلاد

مربای شیرین (مرضیه برومند)

فرهنگ ۲- ناهید
پیام- سپیده ۲- فلسطین ۳- اروپا- شاهد
شهر تماشا۲- کانون- شیرین

تجسمی امروز

نمایشگاه نقاشی منوچهر منصور دهقان

نگارخانه ممیز ـ ۸ ـ ۸۸۳۱۰۴۵۷

نمایشگاه طراحی جلال متولی

نگارخانه افرند ۸۸۰۱۲۳۳۴

نمایشگاه کاریکاتور عقیق کیوانی

فرهنگسرای هنر ۲۲۸۷۲۷۱۸

نمایشگاه نقشه های جغرافیایی مرحوم سحاب

نگارخانه ثروت ۸۸۷۹۸۷۰۷

نمایشگاه نقاشی گروهی

نگارخانه شیثا ۶۶۷۰۷۶۸۱

نمایشگاه نقاشی منوچهر صفرزاده

گالری گلستان ۲۲۵۴۱۵۸۹

نمایشگاه نقاشی احمد اسفندیاری

گالری هما ۲۲۰۵۵۶۲۹

نمایشگاه عکس گروهی

نگارخانه لاله ۸۸۹۶۰۴۹۲

نمایشگاه عکس نغمه قاسملو

نگارخانه اعتماد ۲۲۵۹۹۱۲۷

نمایشگاه طراحی گروهی

نگارخانه آریا

فرهنگ

یادی از نقاد بزرگ

حسن یوسفی اشکوری

یاد

استادم صالحی نجف‌آبادی را آخرین بار در دو سال قبل، در یکی از مرخصی هایم از زندان دیدم. در آغاز مرا در کسوت جدید نشناخت. مانند همیشه بسیار صحبت کرد. با اینکه فاصله چندانی با دیدار گذشته نبود، اما بسیار پیر و شکسته شده بود و حتی بیمار می نمود. از کارم پرسید، گفتم دست اندرکار تاریخ ایران و اسلامم. ابتدا با صراحت و قاطعیت همیشگی اش گفت: این کارها را رها کن، به مسئله غلو بپرداز که خیلی خطرناک است و هر روز بیشتر می شود. گفتم: اتفاقاً در سیر تحولات تاریخ اسلام و تشیع، به تفصیل به آن خواهم پرداخت. توضیحاتی درباره کارم دادم. گفت: اگر این تاریخ خوب نوشته شود، جایش خالی است، چیز خوبی خواهد شد. گفتم: حتماً مانند همیشه از راهنمایی های شما استفاده خواهم کرد. اما دیگر او را ندیدم. پیش از سفر، از طریق تلفن با منزل ایشان تماس گرفتم، گفتند حاج آقا حالش خوب نیست، نمی تواند صحبت کند. مصمم بودم که به دیدارش بروم اما گرفتاری ها این توفیق را از من سلب کرد. شب گذشته خبر درگذشت استاد را در لندن شنیدم. زهی تاسف و تسلیت برای خودم و تعزیت به خانواده اش، حوزه علمیه قم، عالمان و روشنفکران نواندیش و قاطبه ملت ایران.

...

در اوایل دهه چهل و در نوجوانی با نام حاجی شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی آشنا شدم. پس از ورود به حوزه قم در سال ۱۳۴۴ و آشنایی با برخی کتاب ها و نشریات ماقبل و آن روز حوزه، نوشته های صالحی نجف آبادی در میان نوشته های دیگر حوزویان نظرم را جذب کرد، چرا که افکار و آثار وی کاملاً متفاوت و متمایز بود. برخی از شماره های نشریه «مجموعه حکمت» را که در گذشته منتشر شده بود، دیدم و مطالعه کردم و چند مقاله از ایشان بود. اما اولین کتابی که از استاد خواندم کتاب «جمال انسانیت ـ تفسیر سوره یوسف» بود. این کتاب تکانم داد و نخستین بذر دگراندیشی و نقد و نقادی را در ذهنم کاشت. زیرا نظریات مولف کتاب یکسره به گونه ای دیگر بود و داستان حضرت یوسف را حتی در پاره ای موارد متعارض با روایات مشهور در مورد آن پیامبر روایت می کرد. در همان سال ها مقاله ای در مجله «مکتب اسلام» نوشت که جنجال به پا کرد. [...]

بعدها در سال ۱۳۴۹ کتاب «شهید جاوید» ایشان انتشار یافت که نه تنها غوغایی برپا کرد که انفجاری در پی آورد و داستانش را همه ـ و لااقل اهل تحقیق ـ می دانند و خاطرات شخصی ام نیز در این مورد در کتاب خاطراتم آمده و اکنون نه ماه است که در وزارت فخیمه ارشاد [خاک می خورد] و در صورت انتشار می توانید در آنجا ببینید. از آن زمان به بعد با استاد صالحی از نزدیک آشنا شدم و در شمار شاگردان ایشان درآمدم که تا زمان اقامت در قم (سال ۱۳۵۸) پیوسته ادامه داشت. پس از انقلاب نیز کم و بیش ارتباط وجود داشت و گفت وگوهای مختلف علمی (بیشتر تاریخی و فقهی) با ایشان داشتم و در هر جا مقاله ای و یا کتابی از وی می دیدم می خواندم و تهیه می کردم (گرچه دو کتاب اخیرشان را هنوز نخوانده ام). یادش گرامی باد.

...

و اما جایگاه و منزلت صالحی نجف آبادی در حوزه تفکر اسلامی معاصر کجاست؟ در این مجال نمی توان به تفصیل سخن گفت و حق مطلب را ادا کرد اما به اشاره می گویم که مهمترین ویژگی صالحی رویکرد انتقادی وی به متون و منابع دین است و همین رویکرد و استمرار آن در طول بیش از نیم قرن از صالحی نجف آبادی عالمی دگراندیش و فقیه و متکلم و مورخی متفاوت و نوگرا پدید آورد که امروز می شناسیم و آثار و افکارشان گواه آن است. برای روشن شدن اهمیت این خصلت زنده یاد صالحی و نشان دادن جایگاه نقد در تاریخ و فرهنگ اسلامی و فقدان آن در روزگار ما، اشارتی ضروری است: هر تمدنی در پی فرهنگی خلاق پدید می آید و هر خلاقیتی بدون نوآوری ممکن نیست و هیچ نوآوری ای بدون عنصر نقد و نقادی عمیق و گسترده و روشمند خلق نمی شود. تمدن اسلامی که تا زمان ظهور تمدن جدید غربی مهمترین و بزرگترین و جامع ترین تمدن بشری در شرق و غرب بوده است، نیز از توالی چنین روندی شکل گرفت و به اوج شکوفایی و شکوه و اثرگذاری خلاق رسید و با واگذاری میراث و مرده ریگ خود به غرب طی جنگ های صلیبی (قرن یازدهم- سیزدهم میلادی) خود به انحطاط و زوال دچار شد و چراغ آن افسرد. در آن روزگار، فقیهان نوآوری چون امام ابوحنیفه در اهل سنت راه اجتهاد در فقه و اجتهاد را گشودند و بعدها فقیهان شیعی چون شیخ طوسی این روند را ادامه دادند و شیعه و سنی با اجتهاد به بالندگی شریعت اسلامی و انطباق دیانت با شرایط و نیازهای زمان و مکان یاری رساندند. در فلسفه و کلام، متفکرانی چون بوعلی، فارابی، کندی، ابن رشید، غزالی، فخررازی، خواجه طوسی با رویکرد انتقادی به خلاقیت و نوآوری و در نتیجه اعتلای اندیشه اسلامی توفیق یافتند. در ادبیات و تصوف و عرفان و حدیث و تفسیر نیز نام آورانی با همین ویژگی ها به عرصه آمدند و ابعادی دیگر از فرهنگ و تمدن اسلامی را خلق کردند و یا اعتلا بخشیدند. اما دیری است که این روند متوقف شده است و حداقل چند قرن است که شاهد مردانی از آن دست در حوزه تفکر و فرهنگ اسلامی نیستیم و از این رو تمدن تازه ای نیز نداریم و در واقع امروز تمدن بالفعل اسلامی وجود خارجی ندارد.

صالحی نجف آبادی در روزگاری به عرصه آمد و رویکرد انتقادی خود را آغاز کرد که در [...] عنصر نقد و نوآوری یا وجود نداشت و یا در حد نازلی بود. عالمان، فقیهان، مفسران و متکلمان عمدتاً جز تکرار گفته های پیشینیان و شرح نویسی [...] کاری نمی کردند و طلاب نیز جز همان متون و حواشی مفصل نمی خواندند. مکتب اصفهان در سده یازدهم آخرین نشانه حوزه، فلسفه و کلام تا حدودی فقه بود و پس از آن حتی یک نیمه صدرالدین شیرازی هم نداشتیم. امید می رفت چیرگی اصولیان بر اخباریان و تکیه اینان بر اجتهاد و عقل به نوآوری هایی بینجامد ولی چنین نشد. از این رو در این چند قرن نه تنها در فلسفه و کلام شاهد نوآوری قابل توجهی نبودیم که حتی در فقه با تمام گستردگی آن و ادعاهای بزرگ اصولیان این روزگار تحول مثبت و مدرن و کارآمدی رخ نداد. صالحی نجف آبادی نخستین جرقه نقادی و نوآوری حوزوی قابل استناد و اثرگذار در حیطه تاریخ و فقه و تفسیر است. گرچه کسانی چون شیخ هادی نجم آبادی و اسدالله مامقانی و یوسف شعار و شریعت سنگلجی پیش از آن گام هایی در این مسیر برداشته بودند و حتی تا حدودی راه نقد را هموار کرده بودند. اما هیچ کدام از آن بزرگواران ظرفیت و توان علمی و جامعیت و ژرف نگری غنی صالحی را نداشتند و از این رو نتوانستند به اندازه صالحی منشاء تحول فکری و حتی اجتماعی شوند. به ویژه ایشان وارد حوزه ای شد به نام تاریخ و نقد تاریخی که تا آن زمان (و حتی تا حال) کاملاً فراموش شده بود و شاید اساساً کسی اهمیت تاریخ و نقادی آن را درک نمی کرد. مقوله تاریخ چنان در ذهن و زبان و قلم صالحی نجف آبادی برجسته بود که وی وارد حوزه کلام و فقه هم که می شد با رویکرد تاریخی وارد می شد و به نقد و تحلیل می پرداخت و از نهایت به رای و نظر می رسید. او عقاید و شریعت و احکام را در بستر تاریخ و تحولات تاریخی درک و تفسیر می کرد و به استنتاج می رسید. آثار مهم ایشان مانند جمال انسانیت، شهید جاوید و غلو و غالیان و نیز آرای فقهی وی گواه این مدعا است. تاریخ در حوزه های علمیه ما هیچ گاه مهم نبوده و کمتر کسی بدان توجه جدی کرده است. البته نقل روایات تاریخی در قالب سیره ها و یا احوال امامان و بزرگان دین به وفور دیده می شود اما این همه نقالی بوده است نه تاریخ و تاریخ نگاری، چرا که تاریخ نگاری (به ویژه به شکل مدرن آن) بدون تکیه بر نقد روشمند و متدیک متون و منابع تاریخی و تفسیر و تاویل معقول داده های تاریخی ممکن نیست. بی گفت وگو صالحی نخستین عالم دینی است که در روزگار ما با حربه نقد معقول و معقول سازی اسناد کهن تاریخی به نقادی تا حدود زیادی ریشه ای و عمیق منابع دست یافته است و به نوآوری های مهم دست یافته است. ابزار او عقل بود و تحقیق و تعادل- تراجیح آرا و اقوال همین نقادی ها بود که پاره ای از اشتباهات و ابهامات تاریخی را که اتفاقاً ابعاد کلامی و ایمانی و فقهی هم داشت، آشکار کرد و سست بنیادهای بسیاری از افکار و آداب منسوب به دین و تشیع را برآفتاب افکند اینکه نوشته های صالحی نجف آبادی همواره با عکس العمل شدید مواجه می شد دلیلی جز این نداشت اما خوشبختانه استاد با شجاعت اخلاقی و استواری ویژه نوآوران و پیشگامان هرگز بیم به خود راه نداد و تا آخرین لحظه از تحقیق و افشای حقیقت و امحای خرافه باز نایستاد، دریغ که ما اکنون صالحی نجف آبادی دیگری در حوزه ها نداریم تا راه او ادامه پیدا کند اما حوزه سنتی و معارف کهن و از حرکت بازمانده ما به او و امثال او محتاج است.

واپسین کلام این که این همه به معنای کامل بودن روش و نقادی های وی و یا موافقت با تمام آرای آن استاد فقید نیست، سخن در اهمیت نقد و نقادی در حوزه معارف حوزوی و علوم متعارف اسلامی و یقین پیشگامی و منزلت استاد است و در مقام نقد و بررسی روش و یقین میزان اعتبار آرای وی می توان در جای دیگری سخن گفت. یکی از چند شخصیتی که من وامدار او هستم زنده یاد صالحی نجف آبادی است. شیوه نقادی و خرافه زدایی و گستاخی اندیشیدن وی همواره برایم جذاب و آموزنده بوده است خداوند از او راضی باشد و او نیز از ما.

لندن، ۸۵/۲/۱۷

آذوقه

علی دیوان‌دری

نگاه طراح

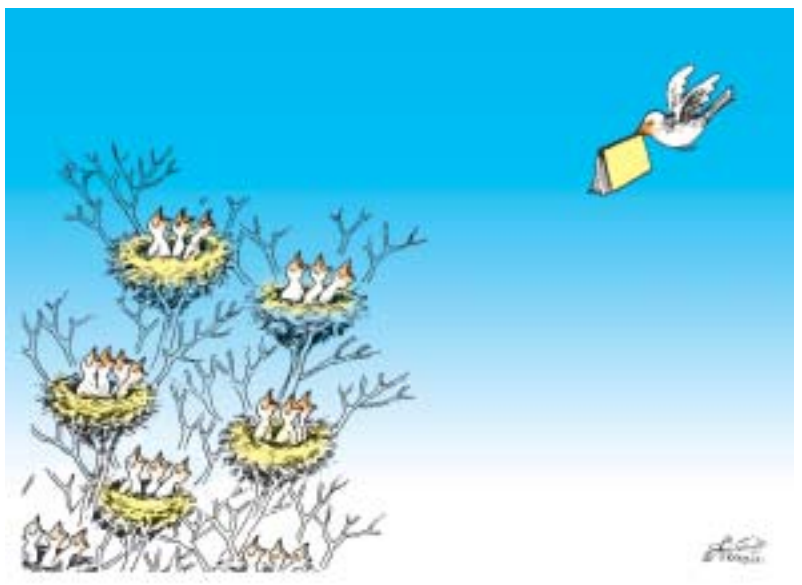

اگر هر کشتی به راه خودش ادامه دهد

لیلا نصیری ها: خیلی ها معتقدند که ملت ایران ملت تن پروری است، پول نفت آدم ها را تنبل کرده و میزان کار مفید هر آدم در طول روز جزء حداقل ها در دنیا است. واقعاً در خوشبینانه ترین حالت هم نمی توان منکر چنین ادعاهایی شد. برای همه مان هم ثابت شده، مَثَل آن لطیفه معروف است که آدمی قرار بود بین جهنم ایرانی ها و اروپایی ها یکی را انتخاب کند و او جهنم ایرانی ها را انتخاب کرد، به دلایلی که خودتان حتماً بهتر می دانید. موقع نوشتن چنین مطالبی هم فقط می شود کلی گویی کرد؛ یعنی جایی برای نوشتن جزئیات باقی نمی ماند، اما می شود کلاهی را قاضی کرد. در جامعه ایرانی، سهم مسائل اساسی زندگی آدمی به هیچ وجه مشخص نیست. از جمله یکی از مهم ترین این مسائل یکی هم بحث لذت است. جای تردید نیست که ایرانی ها ملت خوشگذرانی هستند، اما تخلیه انرژی ایرانی ها عموماً از راه ها و در مکان هایی صورت می گیرد که چندان مشروعیت ندارد. در نظر بگیرید اگر جایی عمومی برای آزاد کردن انرژی های فردی در نظر گرفته می شد، آن وقت نمایشگاه بین المللی کتاب دیگر تبدیل به مکانی برای پیک نیک و خوشگذرانی عده ای آدم نمی شد که هیچ ربطی به نمایشگاه کتاب ندارند. خودمان را هم گول نزنیم. این دیگر از آن ماجراهای خواندن کتاب های آقای ذبیح الله منصوری نیست که فرض کنیم آدم ها با خواندنشان از کتابخوان آماتور به کتابخوان حرفه ای تبدیل می شوند. نه، از این خبرها نیست. دلمان را هم خوش نکنیم که این جماعت با آمدن به نمایشگاه کتاب و دیدن آن حجم کتاب، کتابخوان شوند. آنهایی که می آیند [آنهایی که شما هم می شناسیدشان] کتاب نمی خواهند، فضا می خواهند، ساندویچ ژینا، جینا، اینا، ذرت مکزیکی، آب معدنی، بستنی یخی، چوبی، قیفی، کیمی و غذاهای سه جفت صد می خواهند. ازشان که بپرسی اصلاً نمی دانند کی به کیست و چی به چیست. اصلاً تیراژ کتاب برایشان چه اهمیتی دارد؟ اصلاً اینکه هر سال یک کتاب خارجی هم در حوزه ادبیات در نمایشگاه پیدا بشود و نشود برایشان چه فرقی می کند. برایشان چه فرقی دارد که چه کتابی به چاپ چندم رسیده و اصلاً کتابی مجوز چاپ گرفته یا نه. چه به دردشان می خورد که نویسنده یا مترجم یا ناشر اثر چه خون دلی خورده که کار رسیده به نمایشگاه. یا نه، اصلاً با همه این خون دل خوردن ها نرسیده. برای جماعت کتابخوانِ تیراژ ۱۶۰۰ تایی (میانگین این روزها) چه جای برگزاری چنینَ نمایشگاه هایی است؟ این جماعت قلیل کتاب هایشان را می توانند از همین راسته کریم خان هم تهیه کنند، آن درصد تخفیف هم به کارشان نمی آید، آنها که کتاب را از سبد خانوارشان کنار نگذاشته اند. اشکال کار فقط این می شود که هر روز فاصله میان آن جماعت و این عده قلیل بیشتر می شود و بترسیم از آن روزی که هر کشتی به راه خودش ادامه دهد.

نمایشگاه گردی

تهمینه میلانی؛ گوش کنید آقای رئیس

تهمینه میلانی ساخت جدیدترین فیلم خود با عنوان موقت «گوش کنید آقای رئیس» را پس از دریافت پروانه ساخت آغاز می کند. میلانی به شرق می گوید: داستان این فیلم درباره چهار دختر خلافکار است که باندی را تشکیل داده اند. میلانی نگارش فیلمنامه این فیلم را براساس واقعیت هایی که خود در زمانی، به علت سوءتفاهم در زندان سپری کرده نوشته است. به گفته میلانی این فیلم به دلایل بزهکاری درمیان زنان می پردازد. فیلمبرداری این فیلم پس از دریافت پروانه ساخت شهریور ماه آغاز می شود. میلانی که هم اکنون برای حضور در جشنواره فلایینگ روم به ترکیه رفته در گفت وگویی با ستاد اطلاع رسانی جشنواره فیلم خاص عنوان کرده است که در دنیا سرمایه گذاری گسترده ای در زمینه تولید فیلم هایی درباره بیماران خاص انجام می شود ولی در سینمای ایران کمتر به موضوع بیماران خاص پرداخته شده است. میلانی ادامه داده: ساخت فیلم درباره بیماران خاص باعث توجه و همدلی مردم به این بیماران خواهدشد و برگزاری جشنواره فیلم خاص نقش تعیین کننده ای در این زمینه خواهدداشت. وی گفت: پوران درخشنده دبیر این جشنواره، به خاطر تولید فیلم هایی چون رابطه و پرنده کوچک خوشبختی انتخاب بسیار خوبی برای دبیری این جشنواره بوده است. میلانی هم اکنون فیلم آتش بس را بر پرده سینماها دارد که از فروش بسیار خوبی برخوردار شده است.

خبرساز

ماموریت جدید تام کروز؛ موفق و ناموفق

وصال روحانی: قسمت سوم «ماموریت غیر ممکن» در سه روز پایانی هفته و به واقع در شروع اکرانش ۴۸ میلیون دلار فروخت تا عنوان موفق ترین فیلم این هفته آمریکا و کانادا را مال خود کند. این فیلم که مثل دو قسمت نخست تام کروز در آن نقش نخست و رل یک مامور مخفی شکست ناپذیر (!) به نام اتان هانت را بازی می کند و کاری از ژانر اکشن و حادثه ای است فیلم کمدی- خانوادگی «RV» را که هفته پیش اول شده بود، به رده دوم تنزل داد. با این حال میزان فروش «ماموریت غیر ممکن ۳» به آنچه که تصور می شد، نرسید و این مسئله اسباب ناراحتی سران پارامونت کمپانی توزیع کننده فیلم شد که کیسه گشادتری را برای این فیلم دوخته بودند. قسمت دوم این فیلم که در اردیبهشت ۵ سال پیش اکران شد، در سه روز نخست اکرانش ۵۷/۸ میلیون دلار فروخته بود و حتی فیلم نخست در مه ۱۹۹۶ (اردیبهشت ۱۳۷۵) به مرز ۴۵/۵ میلیون دلار رسیده بود. در عین حال هر سه فیلم در آغاز نمایش عمومی شان صدرنشین جدول پرفروش ها شده اند. پارامونت می تواند به این هم دلخوش باشد که فیلم جدید در سایر نقاط جهان طی روزهای اخیر مجموعاً ۷۰ میلیون دلار فروخته است و در میان کشورهای بزرگ و پرجمعیت فقط ژاپن و هند هستند که هنوز آن را اکران نکرده اند. شاید فقط آلمان استثنا بوده باشد که این فیلم جدید در آن چندان نفروخت. هم پارامونت و هم استودیوهای رقیب انتظار داشتند که ماجراسازی های تازه تام کروز در سه روز اول اکرانش حداقل ۶۵ میلیون دلار بفروشد. این در حالی است که فیلم چیزی حدود ۱۵۰ میلیون دلار هزینه داشته است. برخی می گویند زندگی خصوصی آشفته و جنجالی تام کروز طی سال های اخیر سهم قابل توجهی در کاهش موفقیت «ماموریت غیرممکن۳» داشته است و بعضی هم بر این اعتقادند که ضعف در کارهای تبلیغاتی پیرامون فیلم نیز سبب ساز این وضعیت بوده است. پس از نسخه جدید «ماموریت غیرممکن» که یک بار دیگر طی آن اتان هانت با هر کس و با زمین و زمان می جنگد و پیروز می شود و RV که قصه تعطیلات پردردسر یک خانواده است و ۱۱/۱ میلیون دلار در سه روز پایانی هفته فروخت، عنوان سومین فیلم پرفروش هفته از آن «یک شکار آمریکایی» شد. این فیلم که یک کار از ژانر هارور (وحشت) است و اتفاقات آن در قرن نوزدهم در ایالت تنسی آمریکا می گذرد، بیشتر از ۶/۴ میلیون دلار در گیشه ها به بار نیاورد. «Stick it» که یک کار کمدی از شرکت والت دیسنی و مربوط به ژیمناستیک دختران است با ۵/۵ میلیون دلار فروش در جای چهارم قرار گرفت و «یونایتد ۹۳» که متمرکز بر واقعه ۱۱ سپتامبر است با ۵/۲ میلیون دلار فروش پنجم شد. قسمت دوم فیلم کارتونی «عصر یخ» نیز با ۴ میلیون دلار در رده ششم جای گرفت.

سینما

از ماست‌بندی تا آرته

سیدعلی میرفتاح

کرگدن نامه

ادامه کنفرانس مطبوعاتی را متاسفانه نمی توانیم چاپ کنیم و احتمالاً خوانندگان باهوش شرق، خیلی در پی آن نخواهند بود که پرس وجو کنند و دلایل نیمه کاره رها کردن مصاحبه قلندران را بپرسند. اینجا، همان جایی است که نباید سئوال بی مورد پرسید و برای کاری که مردم می کنند دلیل خواست، خاصه از نگارنده که این ستون را در کارخانه پرمخاطره روزنامه نگاری نوین این سرزمین در خط تولید قرار می دهد. به قول خواجه شیراز:

«در کارخانه ای که ره علم و عقل نیست
عقل ضعیف رای فضولی چرا کند؟»

اما موضوعی که برای جلسه امروز روی گل قالی گذاشتیم مربوط است به تب فوتبال و جام جهانی...

آقای کپورچالی: ولی دیروز چه استقبالی از ما شد. من از بس به مردم امضا دادم دست درد گرفتم.

آقای مویدی: من چقدر عکس گرفتم؟ آن قدر نور فلاش توی چشمم خورده بود که دیشب هیچ جایی را نمی دیدم.

آقای امیرشاهی: دیشب خبر ندارید شبکه های ماهواره ای چه کردند. شبکه Arte دو ساعت ویژه برنامه رفته بود که ما را معرفی کند. من دیشب شروع کردم به مونیتورینگ. همه شبکه ها را بالا و پایین کردم، حتی شبکه مولتی ویژن هم برنامه عادی اش را قطع کرده بود و درباره «قلندقان» گزارش می داد. می دانید که فرانسوی ها به قلندر می گویند «قلندق».

آقای روشن ضمیر: من امروز صبح رفته بودم مغازه عباس آقای دریانی شیر بخرم...

آقای کپورچالی: مگر تو می توانی شیر بخوری؟ می برد، بد هم می برد.

آقای روشن ضمیر: من که شیر برای خوردن نمی خرم.

آقای امیرشاهی: پس می روی تو قفس شیر در قفس را هم از داخل قفل می کنی...

آقای روشن ضمیر: نخیر، خریدن شیر برای رفع اتهام خیلی خوب است. هر روز که شیربخری، همسایه ها و اهل محل فکر بد درباره ات نمی کنند. پیش خودشان می گویند: عجب پیرمرد سالمی. شیرها را هم عیالم ماست درست می کند. چه ماستی هم درست می کند، اگر هیچ حسنی نداشته باشد، همین یک هنر ماست بندی اش کفایت می کند.

آقای مویدی: خب ما هم شیر می خریم، می دهیم به تو، بده به همسرت ماست درست کند برای فروش.

آقای کپورچالی: بد هم نیست. یک خرده کشک هم بده ما وقت بیکاری برایت بسابیم...

آقای امیرشاهی: حالا چه می خواستی تعریف کنی. در دکان عباس آقای دریانی چه اتفاقی افتاده بود؟

آقای روشن ضمیر: آهان. داشتم می گفتم. عباس آقا به شدت تحویل گرفت و کلی از جواب های دندان شکن و در عین حال سیاستمدارانه ما تعریف کرد. ظاهراً مشروح مصاحبه را شبکه هما، در برنامه آقایی به نام سجادی، داریوش سجادی، که بنده نمی شناسمش نشان داده اند...

آقای امیرشاهی: خوب شد گفتی. این آقا زنگ زد، درخواست مصاحبه کرد، گفته یک طرف صادق زیباکلام و یک طرف ما. البته من جواب قطعی ندادم، گفتم باید با دوستانم مشورت کنم.

آقای مویدی: ظاهراً آقای زیباکلام پای ثابت گفت وگوها است.

آقای روشن ضمیر: فی الواقع که چنین است.

آقای کپورچالی: ولی در کل من از مصاحبه مطبوعاتی دیروز راضی ام. خیلی حس خوبی داشتم، می گویم بیایید ماهی یک بار کنفرانس مطبوعاتی بگذاریم. آدم از دادن جواب های کوتاه دوپهلو لذت می برد. ضمن اینکه هر شوخی بی نمکی بکنی همه با صدای بلند می خندند.

آقای امیرشاهی: اولش جذاب است. به دولتمردان نگاه کن، روزهای اول عشق کنفرانس مطبوعاتی دارند. روزهای آخر از شنیدن اسم خبرنگار کهیر می زنند.

میرفتاح: از اینکه درباره فوتبال و جام جهانی حرف زدید بی نهایت سپاسگزارم، بحث گرم و جذابی بود...

mirfattah@yahoo.com

اخبار اندیشه

هرمنوتیک از هایدگر تا گادامر

شرق: سلسله سمینارهای گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی این هفته میزبان محمدرضا بهشتی عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران است. محمدرضا بهشتی سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه از ساعت ۱۳ تا ۱۵ درباره «هرمنوتیک از هایدگر تا گادامر» سخنرانی می کند. محل برگزاری این جلسه، سالن شهید مطهری دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی واقع در بزرگراه چمران، پل مدیریت، خیابان بیست و ششم علامه طباطبایی (جنوبی) است.

هنر در عصر تکنیک

نشست «هنر در عصر تکنیک» با سخنرانی محمدجواد صافیان در شهر قم برگزار می شود. به گزارش مهر، سومین نشست از سلسله نشست های مبانی نظری هنر ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه با سخنرانی محمدجواد صافیان تحت عنوان «هنر در عصر تکنیک» در مدرسه اسلامی هنر شهر قم برگزار می شود. در نشست اول مبانی نظری هنر، غلامرضا اعوانی تحت عنوان «نسبت دین و هنر» و در نشست دوم محمدرضا ریخته گران تحت عنوان «هنر و تحقق حقیقت» سخنرانی کرده اند.

خاتمی در همایش فلسفه میان فرهنگی

«فلسفه میان فرهنگی» هرچه باشد این امید را در دل زنده می کند که گامی به سوی رفع تفاهم و فهم بیشتر برمی دارد. اگر این گام در میان اندیشمندان و سپس در دیگر اعضای جامعه برداشته شود دستاورد بیشتری برای بشر به ارمغان خواهد آورد. به گزارش مهر، عصر دیروز همایش «فلسفه میان فرهنگی و عالم معاصر» در دانشگاه علامه طباطبایی با سخنرانی سیدمحمد خاتمی آغاز شد. خاتمی در آغاز سخن اظهار داشت: در جهانی به سر می بریم که فشرده تر از جهان دیروز است و اجزای آن به هم نزدیک ترند، حتی انسان ها در این جهان بیش از گذشته به هم شبیه اند.